

Research Paper

Characteristics of Kerman secondary schools towards achieving schools without failure

Amir Sadra Asadi Khanouki¹, Najmeh Hajipour Abaie^{2*}, Hamdollah Manzari Tawakoli³, Zahra Zeinaddini Meimand⁴

1. PhD student in educational management, Kerman branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Kerman branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran (Corresponding author).

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Kerman branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Kerman branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

Received: 01/03/2024

Accepted: 14/06/2024

PP:15-27

Keywords:

Schools without failure,
Sense of worth,
Reliance on conservation,
Curriculum goals,
Personnel goals.

Abstract

Introduction: The progress of the educational system of any country depends on the use of the best learning methods. This study aimed knowing the characteristics of secondary schools in Kerman in order to achieve the goals of schools without failing Glaser.

Research methodology: This research is applied in terms of purpose and in terms of method it is qualitative research that was conducted with grounded theory (foundation data) method. In this research, the statistical population included decision-making managers in secondary schools in Kerman city and university professors, experts and experts who until reaching Theoretical saturation continued; which reached saturation with the number of 25 people. The sampling method was purposive. Data collection was done with semi-structured interview tool. In order to check the validity and reliability of the data, two methods of review by the participants and review by non-participating experts were used, and after receiving the corrective comments, the necessary editing was done and the final model of the interviews was presented. Statistical analysis was performed by MAXQDA software with version 2020.

Findings: The findings showed that in the open coding stage, 268 concepts were obtained from the interviews. In the axial coding stage, 195 main categories were obtained, and in the selective selection stage, 4 main categories were extracted for the goals of Glaser schools and two main categories were extracted for the characteristics of Kerman schools. Glaser schools 4 individual level (students); personnel; educational concepts; The environment has major differences with the schools of Kerman .

Conclusion: It can be concluded that this difference is more evident in the teaching of curricular and educational concepts considered by Glaser.

Citation: Khanouki, A., Hajipour, N., Manzari Tavakoli, H., Zein al-Dini Meymand, Z. (2024). Characteristics of Kerman secondary schools towards achieving schools without failure. Journal of Transcendent Education. Vol 4, Issue 1, pp 15-27

Corresponding author: Najmeh Hajipour Abaie

Address: Department of Educational Sciences, Kerman branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Email: n.hajipour@iauk.ac.ir

مقاله پژوهشی

ویژگی های مدارس متوسطه شهر کرمان در راستای تحقق مدارس بدون شکست

امیر صدرا اسدی خانوکی^۱، نجمه حاجی پور عبایی^{۲*}، حمدالله منظری توکلی^۳، زهرا زین الدینی میمند^۴

۱. دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

۴. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف: پیشرفت نظام آموزشی هر کشور مرهون به کارگیری بهترین روش های یادگیری است. هدف از تحقیق حاضر شناخت ویژگی های مدارس متوسطه شهر کرمان در راستای تحقق اهداف مدارس بدون شکست گلاسز بود.

روش شناسی پژوهش: این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش ازجمله تحقیقات کیفی است که با روش گراند تئوری (داده بنیاد) انجام شد. در این پژوهش جامعه آماری شامل مدیران تصمیم گیرنده در مدارس متوسطه شهر کرمان و اساتید دانشگاه، صاحب نظران و خبرگان بود که تا دستیابی به اشباع مفهومی تداوم داشت؛ که با تعداد ۲۵ نفر به اشباع رسید روش نمونه گیری هدفمند بود گردآوری داده ها با ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. جهت بررسی روایی و پایایی داده ها از دو روش بازبینی به وسیله مشارکت کنندگان و مرور به وسیله خبرگان غیر شرکت کننده در پژوهش استفاده شد و پس از دریافت نظرات اصلاحی ویرایش لازم انجام و الگوی نهایی مصاحبه ها ارائه شد. تجزیه و تحلیل آماری به وسیله نرم افزار MAXQDA با ورژن ۲۰۲۰ انجام شد

یافته ها: یافته ها نشان داد مرحله کدگذاری باز ۲۶۸ مفهوم از مصاحبه ها به دست آمد در مرحله کدگذاری محوری ۴۱ کد به دست آمد و در مرحله کدگذاری گزینشی ۴ کد به دست آمد مدارس گلاسز ۴ سطح فردی (دانش آموزی)؛ پرسنلی؛ مفاهیم آموزشی؛ محیطی تمایزهای عمده ای با مدارس شهر کرمان دارد.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد این تمایز بیشتر در بخش آموزش مفاهیم درسی و آموزشی مورد توجه گلاسز نمود بیشتری دارد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۵

شماره صفحات: 15-27

واژه های کلیدی:

مدارس بدون شکست،

احساس ارزشمندی، ت

کیه بر حفظیات، اهداف درسی،

اهداف پرسنلی.

استناد: اسدی خانوکی، امیر صدرا، حاجی پور عبایی، نجمه، منظری توکلی، حمدالله، زین الدینی میمند، زهرا. (۱۴۰۳). ویژگی های مدارس متوسطه شهر کرمان در راستای تحقق مدارس بدون شکست. فصلنامه علمی آموزش و پرورش متعالی. دوره سوم، شماره چهارم، پیاپی ۱۲، شماره صفحات

* نویسنده مسئول: نجمه حاجی پور عبایی

نشانی: استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

پست الکترونیکی: n.hajipour@iauk.ac.ir

مقدمه

بررسی تاریخ نظام های آموزش و پرورش دنیا نشان می دهد که دسترسی به آموزش و موفقیت تحصیلی همواره یکی از دغدغه های مسئولان تعلیم و تربیت بوده است. یکی از نهادهای اصلی و مؤثر در هر جامعه که مسئول تحقق آموزش همگانی و رسیدن به موفقیت های تحصیلی در دانش آموزان هست، نهاد آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش یکی از ارکان اصلی در توسعه پایدار هر کشور است و مدرسه را می توان به عنوان خط مقدم جبهه تعلیم و تربیت در نظر گرفت. که از جایگاه و ارزشی خاص در فرایند نظام آموزش و پرورش هر کشوری برخوردار است. مدرسه مکانی است که یادگیری در آن با همه ابعاد به منظور پرورش انسان متعادل و تربیت شهروند مؤثر و مفید صورت می گیرد و لازم است در سیاست گذاری ها و تصمیم گیری های سطوح فوقانی وزارت آموزش و پرورش به این موضوع عنایت خاص گردد (Jahanian, 2010, p123). آموزش و پرورش در حکم مهم ترین نهاد اجتماعی در ایفای رسالت خویش نیازمند به کارگیری منابع فکری، مالی، حمایتی و معنوی قابل توجهی است که تأمین آن به شرایط فرهنگی و نگرش جامعه به ویژه مدیران ارشد و تصمیم گیرندگان کشور بستگی دارد. امروزه این نهاد تعلیم و تربیت به عنوان یک پدیده عام اجتماعی، جزء لاینفک زندگی اجتماعی افراد محسوب می شود هر چند ساختار، عملکرد و ویژگی های آن در جوامع مختلف متفاوت است (Alagheband 2014, p2). این ساختارهای متفاوت، موجب شکل گیری نوعی ساختار متفاوت در نهاد آموزش می شود این تفاوت در نهایت منجر به نتیجه متفاوت خواهد بود یا منجر به موفقیت تحصیلی دانش آموزان می شود یا منجر به شکست آن ها خواهد شد.

امروزه به دلیل تغییرات گسترده محیط، نظام آموزش و پرورش مدام دستخوش تغییرات در بعد آموزشی می شود. فقط در سایه داشتن مدیران توانمند و شایسته است که هر تغییر و تحولی را می توان به فرصت تبدیل کرد (Abbaspour, 2014, p249). تغییری که در آموزش در حال رخ دادن است، بسیار عمیق تر از آن چیزی است که به نظری می آید. این تغییر موجب آشفتگی ما در تشخیص چیزی که در حال رخ دادن و در حال شکل گرفتن است؛ می شود. این تحول و تغییر نه تنها در روش ها، بلکه در ماهیت مفاهیم و نگرش ما به مقوله آموزش و علم است (Majidi, 2010, p26). یکی از اندیشمندانی که در این راستا با تکیه بر نظریه و تئوری انتخاب گامی مثبت برداشت گلاسز بود. گلاسز پیشنهاد می دهد نظام آموزشی باید تغییر کند و به شیوه ای خاص اداره شود. یک محیط آموزشی که هم بتواند مفاهیم اخلاقی و ارزشی را در آن آموزش داد و هم دانش آموزان را با تغییرات جدید و علم روز همگام ساخت (Glasser, 1920, p22). از نظر گلاسز امروزه بسیاری از دانش آموزان در تحصیل شکست می خورند، بقیه تحت فشار مفرط موجود، برای موفقیت در مدارس که حتی بسیاری محصلان کوشا و شایسته، عملکرد بدی نشان می دهند از کار بازمی مانند. دانش آموزان در شهرها و مناطق حومه، از دبستان گرفته تا دبیرستان با شکست مواجه می شوند بسیاری از متخصصان قبول دارند که آموزش و پرورش شکست خورده است. این ضعف و ریشه شکست از نظر گلاسز ضعف در نهاد آموزش در آنجا نهفته شده است که، نیاز به احساس ارزشمندی دانش آموزان نادیده گرفته می شوند، شیوه تفکر کردن، روش حل مسئله را به درستی آموزش نمی دهند و بیشتر امکانات در اختیار اقشار مرفه تر جامعه است که به امکانات بهتر آموزشی دسترسی دارند. ارتباط میان مدرسه و تجارب زندگی دانش آموزان وجود ندارد و بیشتر کنترل ها در مدارس بیرونی است. به طور مثال این روند کاهش کنترل های بیرونی در سیستم های آموزشی قدیمی با مخالف های بسیاری روبرو می شد. در آموزش و پرورش ایران این روند سیر معکوس پیدا کرده است اختیارات به تدریج از معلمان و مدارس گرفته شده و به صورت متمرکز درآمده است یعنی معلمی که تا ۱۵ سال قبل خود نحوه ارزیابی، طراحی سؤال، بارم بندی، مختار بود امروز حتی قدرت تصحیح سؤالات را نیز از او گرفته اند و ارزیابی کاملاً متمرکزی در کلیه سطوح آموزشی انجام می شود (Majidi, 2010, p52). مدارس پیشنهادی گلاسز که با عنوان مدارس بدون شکست مطرح شده اند بر پایه چند اصل اساسی استوارند که عبارت اند توجه به اصل و مفهوم احساس ارزشمندی در فرایند یادگیری یعنی در این مدارس محیط آموزشی توأم با احساس صمیمت و نشاط باشد؛ دانش آموزان در این مدارس احساس ارزش کنند و منبع کنترل ها در این مدارس درونی است و نظم قانون بدون اجبار و تنبیه اجرا می شود، توجه به کیفی بودن مدارس یعنی تکیه بر یادگیری به شیوه های جدید آموزشی مانند بحث آزاد و کلاس های گروهی، عدم قطعیت آموزشی، آموزش تفکر خلاق و حل مسئله، یادگیری مشارکتی و هماهنگی بین مطالب آموزشی و زندگی واقعی، توجه به تفاوت های فردی دارد، ارتباط قوی میان مدارس و والدین.

رهبری محیط های آموزشی در عصری که روبه روز پر، تلاطم تر و غیرقابل پیش بینی می شود و همچنین در آن تناقض، ابهام و عدم قطعیت در حال تبدیل شدن به هنجار است، از مهم ترین عوامل موفقیت آموزش و پرورش هر جامعه ای است. در نظام آموزش و پرورش جدید و قرن ۲۱ مدیران مسئول و پاسخگوی تربیت کودکان و افراد جوان برای تبدیل شدن به یادگیرندگانی موفق، افرادی خلاق و با اعتماد به نفس و شهروندانی آگاه و فعال هستند. از دغدغه های جدید در عصر جدید آموزش انگیزه دادن به دانش آموزان است. دانش آموزان بی انگیزه یا عملکرد ضعیفی دارند و یا هیچ کاری انجام نمی دهند، بسیار اندک می آموزند و معمولاً به شیوه ی غیرمسئولانه یا مختل کننده رفتار می کنند. درحالی که فعالیت های دانش آموزان با انگیزه از کیفیت بالایی برخوردار است، خوب می آموزند و مسئولانه رفتار می کنند

(Ervinet, 2012, p99). این دانش‌آموزان نه تنها زمینه موفقیت‌های آینده خور را تأمین می‌کنند بلکه می‌توانند آینده موفق‌تری را داشته باشند. شهر کرمان نیز به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از این نظام آموزشی دارای مسائل و مشکلات زیادی است چنانچه طبق گفته مدیر آموزش و پرورش کرمان ۸ هزار و ۳۶۳ دانش‌آموز بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی گذشته داشتیم. در شهر کرمان از تعداد ۵۷۷,۵۲۷ دانش‌آموز که در دو ناحیه آموزشی یک و دو مشغول تحصیل اند تعداد ۵ هزار و ۴۹۰ نفر از تحصیل بازمانده‌اند. از این تعداد بخشی از آن‌ها به دلیلی کمبود امکانات مانند مدرسه بوده است و بخش زیادی از آن‌ها به دلیل مردود شدن و نداشتن امکانات آموزشی در شرایط پاندمی کرونا بوده است و بخش دیگر از آن‌ها به دلایلی عدم بی‌علاقگی، مردود شدن‌های مکرر ترک تحصیل کرده‌اند این آمار نشان‌دهنده وجود مشکل و مسئله اساسی در توزیع امکانات آموزشی و متزلزل بودن مدیریت نهاد آموزش و پرورش در شهر است. از سوی دیگر باید اشاره کرد جامعه هدف این پژوهش در مدارس متوسطه شهر کرمان است به این دلیل که دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در این مقاطع تحصیلی علاوه بر اینکه از لحاظ فیزیکی در شرایط خاصی هستند (بلوغ)؛ نسبت به محرک‌های اطراف نیز واکنش‌های بیشتری نشان می‌دهند بنابراین بخش اعظمی از افت تحصیلی و ضعف‌های تحصیلی در این مقاطع صورت می‌گیرد و دانش‌آموزان در این مقاطع بسیار تحت تأثیر نوع برخورد و بازخوردها و کنترل‌های خارجی اطراف خود هستند توجه به احساسات آن‌ها و برخورداری از احساس ارزشمندی، درک صحیح آن‌ها در سیستم آموزشی، نحوه ارزیابی درست از عملکرد تحصیلی منطبق بر توانایی دانش‌آموزان می‌تواند گام مثبتی در حل مشکلات آموزشی در این مقطع تحصیلی باشد. بنابراین هم با توجه به خلأ تحقیقات موجود مشخص شدن ضعف‌های مدارس متوسطه می‌تواند گامی مثبت در ارائه راهکارهای متناسب با شرایط آموزشی شهر کرمان باشد. لذا این پژوهش جهت پاسخ به سؤال انجام شد که ویژگی‌های مدارس متوسطه شهر کرمان در راستای تحقق مدارس بدون شکست کدامند؟

پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که از لحاظ نظری که در این مقوله قرار می‌گیرند:

در تحقیقی با عنوان شناسایی ابعاد به‌کارگیری نظریه انتخاب گلاسر در کلاس درس در راستای کیفی سازی مدارس (مورد مطالعه: مدارس ابتدایی ناحیه یک شهر بندرعباس) بیان می‌کنند که ابعاد مدرسه کیفی در نظریه انتخاب گلاسر شامل بعد نیروی انسانی متخصص، بعد فضای آموزشی و بعد محتوای آموزشی بوده است، و در بخش کمی نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار PLS نشان داد، سه بعد شناسایی‌شده کیفیت پیش‌بینی کنندگی قوی در کیفی سازی مدارس دارند (Salmani Bestauni, & Nami, 2022, p163).

در مقاله‌ای با عنوان "دیدگاه معلمان، والدین، مشاوران مدارس و دانش‌آموزان نسبت به مؤلفه‌های مدرسه تاب‌آوری" نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که عوامل مؤثر در شکل‌گیری مدرسه تاب‌آوری در سه دسته عوامل متمرکز بر عناصر مختلف موجود در مدرسه، فرد و خانواده شناسایی شدند. بررسی تحقیقات مرتبط نیز نشان داد که عمده‌تأ دودسته عوامل حفاظتی درونی و بیرونی در مطالعه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مدرسه تاب‌آوری نقش دارند. از میان عوامل مدرسه، ارتباط مؤثر نیروها و مدیریت و دانش‌آموزان، فضای فیزیکی، جو روانی- اجتماعی مناسب و حمایت اجتماعی، از میان عوامل خانواده، جو روانی خانواده، روش‌های فرزند پروری و حمایت والدین و از میان عوامل فردی، توانمندی‌های شخصیتی و عاطفی مهم‌ترین عوامل بودند (Afzali et al, 2019, p30).

در مقاله‌ای با عنوان "استعدادها، توانایی‌ها و عدالت آموزشی" بیان می‌کند که این فرض که دانش‌آموزان دارای استعدادها و متفاوتی هستند اغلب زیربنای آن است بحث عمومی و فلسفی در مورد عدالت نظام‌های مدرسه‌ای. اول، فیلسوفانی که به استعدادها و مختلف اشاره می‌کنند، اغلب تصور می‌کنند که این‌ها به نحوی پتانسیل‌های ثابتی هستند که محدودیت‌هایی را برای آنچه کسی می‌تواند به دست آورد ایجاد کند. بر اساس این درک، هرچقدر هم که کسی تلاش کند، به دلیل کمبود استعداد نمی‌تواند عملکرد خوبی داشته باشد. ثانیاً، صحبت در مورد استعدادها و مختلف می‌تواند به این صورت درک شود که دو دانش‌آموز به همان میزان آموزش دریافت خواهند کرد با این وجود انتظار می‌رود که منابع عملکرد متفاوتی در این زمینه داشته باشند فرض کنید زمانی که صحبت از زمینه‌های اجتماعی نابرابر به میان می‌آید، چشم‌اندازهای آموزشی باید برابر باشد، اما در مورد استعدادها و نابرابر نه. در این مقاله سه دلیل را که می‌تواند به نفع این فرض زمانی که صحبت از زمینه‌های اجتماعی نابرابر به میان می‌آید، چشم‌اندازهای آموزشی باید برابر باشد، اما در مورد استعدادها و نابرابر باشد زیر سؤال می‌برم: اولی به ارتباط بین استعدادها و محدودیت‌ها، دومی به رابطه بین استعدادها و تبدیل منابع و مورد آخر به این ایده اشاره دارد که استعدادها به‌نوعی به خود واقعی فرد برمی‌گردد (Meyer, 2020, p508).

در مقاله‌ای با عنوان "برابری و عدالت تربیتی" بیان می‌کند که همه افراد در سطح جامعه به‌خصوص والدین به دنبال در اختیار قرار دادن آموزش به‌عنوان یک اصل اصلی در زندگی فرزندان به آن‌ها هستند اما این اصل نشان‌دهنده وجود برابری همه افراد در میسر آموزش

نیستند و بنابراین شاید نگران کننده ترین نتیجه در رابطه با برابری این است که ما می توانیم با خوشحالی سیاست های برابری را تأیید کنیم. در حالی که درجایی که به نظر می رسد برابری بیش از همه مهم است، از هیچ چیز با ارزش واقعی چشم پوشی نمی کند (Merry, 2018, p174).

جمع بندی نتایج به دست آمده از مرور دیدگاه های نظری و منابع تجربی: همان طور که مشاهده شد در بخش ادبیات تحقیق، به موضوعات مربوط مدارس کیفی گلاسز پرداخته شد. اگرچه در تحقیقاتی به بررسی این پدیده پرداخته شده است، اما تاکنون رویکرد جامعی در مورد این پدیده به کارگیری نشده، مطالعات انجام شده یا به صورت مقایسه ای بوده اند و یا صرفاً به شناسایی ابعادی از شایستگی مدیران مدارس و در مواردی به نگرش سنجی مدیران یا کارشناسان پرداخته اند. در این بین شواهد اندکی از بررسی ضعف ها و اهداف این مدارس به عنوان یک دیدگاه پارادایمی مدنظر پژوهشگران قرار گرفته است.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش از جمله تحقیقات کیفی است که با روش گراند تئوری (داده بنیاد) انجام شد در این پژوهش جامعه آماری شامل مدیران تصمیم گیرنده در مدارس متوسطه شهر کرمان و اساتید دانشگاه، صاحب نظران و خبرگان بود که تا دستیابی به اشباع نظری تداوم داشت؛ که با تعداد ۲۵ نفر به اشباع رسید روش نمونه گیری هدفمند بود. گردآوری داده ها با ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. جهت بررسی روایی و پایایی داده ها از دو روش بازبینی به وسیله مشارکت کنندگان و مرور به وسیله خبرگان غیر شرکت کننده در پژوهش استفاده شد جهت جمع آوری قالبی برای مصاحبه های نیمه ساختارمند از مطالعات و مطالعات کتابخانه ای استفاده شد. مصاحبه ها تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت. زمان هر مصاحبه حداقل ۴۰ تا ۶۰ دقیقه بود. ملاحظات اخلاقی در قسمت مربوط به انجام مصاحبه ها این موارد رعایت شد. مصاحبه با افرادی انجام شد که میل شرکت در مصاحبه را داشتند. چون مصاحبه از افراد خبرگان است وقت و زمان مصاحبه با افراد بر طبق زمان کاری آن ها مشخص و بر اساس ساعتی که مصاحبه شوندگان تعیین می کنند انجام شد. در صورتی که زمان مصاحبه برای افراد طولانی بود مصاحبه در طی دو مرحله انجام شد. مصاحبه شوندگان می توانستند هر زمان که تمایل داشتند شرکت در مصاحبه را به اتمام برسانند. در روش گراند تئوری در مرحله کدگذاری باز ۲۶۸ مفهوم در مرحله کدگذاری محوری ۱۹۵ و در مرحله انتخاب گزینشی ۴ مقوله به دست آمد و برای اهداف مدارس گلاسز ۲ مقوله اصلی برای ویژگی مدارس شهر کرمان استخراج شد. تجزیه و تحلیل آماری به وسیله نرم افزار MAXQDA با ورژن ۲۰۲۰ انجام شد.

یافته ها

اهداف مدارس بدون شکست گلاسز کدامند؟

بر اساس یافته های به دست آمده نشان می دهد مدارس گلاسز در این سه سطح از اهداف که عبارت اند از الف) هدف های محیطی (ب) هدف های پرسنلی مدرسه (معلمین و معاونین) ج) هدف های در رابطه با مفاهیم درسی د) هدف های توسعه فردی (دانش آموز) با دیگر مدارس متفاوت اند. خط نموداری که پررنگ تر است نشان دهنده تکرار مورد در بین پاسخگویان است.

جدول شماره ۱- نمونه ای از متن مصاحبه ها انجام شده زیر خط ها نشان دهنده کد گذاری باز است

بخش از متن مصاحبه ها

ردیف

سازمانی آموزش و پرورش را وقتی می توان موفق معرفی کرد که بدون شکست باشد بدین معنی که دانش آموزان موفق آن نسبت به غیر موفق بیشتر باشد و به نوعی سازمان اثربخش و کارا باشد. لازمه این موفقیت داشتن اهداف دقیق و برنامه ریزی برای این اهداف است؛ بنابراین ما اول باید ببینیم اهداف مدارس بدون شکست چه هستند. اهداف این مدارس در ۲ بعد فردی و مدیریتی، آموزشی، پرسنلی دسته بندی کرد در بعد فردی ما در ایران نگاه متفاوت تر و عمیق گری را به زندگی افراد داریم یعنی علاوه بر اهداف علمی، اقتصادی، جسمی و ... اهداف اعتقادی و اخلاقی هم مورد توجه هستند (حداقل روی کاغذ) و اهمیت به جنبه های درونی و معنوی زندگی افراد است. مدرسه بدون شکست باید بتواند هویت فردی را با هم در بچه ها پرورش دهد. ما باید بدانیم در حوزه عقیدتی، دانش آموزان دارای چه ویژگی هایی هستند مدت هاست ما در تعیین اهداف بیشتر به کسب نمره برخی در درس خاص مانند ریاضی بسنده کرده ایم و توجه به مسائل اخلاقی و عقیدتی توجه کمی داشته ایم؛ اما به راستی که توجه به غلط بوده و شاهد

این ادعا، کیفیت رفتاری برخی جوانان در بستر جامعه است. این را هم توجه کنیم که نگاه صفر یا صد هم خودش آسیب است.

برای داشتن یک مدرسه بدون شکست نیاز به مدیران و معلمان متخصص و خبره‌ای داریم که بتوانند اهداف چندبعدی موردنظر ما را تحقق بخشند معلم و مدیران باید خودش در همه ابعاد موردنظر الگو و متخصص باشد و این مسئله نه با یک برگه کاغذ یا مدرک و نه حتی با یک آزمون قابل سنجش نیست پس باید نظام گزینش خاصی تعریف و عملیاتی شود تا افراد هم از نظر علمی و هم تخصصی و شخصیتی مورد سنجش و انتخاب قرار بگیرند،

اولین اصل یک مدرسه بدون شکست را که همان عدالت آموزشی و تربیتی است که به نظر گلسرین مسئله میتواند یادگیری دانش آموزان را تحت تاثیر قرار دهد که کمک شایانی به توسعه احساس ارزشمند بودن نیز میکند اصلی که گلسر بر آن تاکید و تکیه می کند در ایجاد و تقویت حس ارزشمندی ما منبعی را اختیار داریم که آن‌ها ندارند؛ یعنی معنویت. تبیین نقش انسان در آفرینش برای بچه‌ها می‌تواند پایه‌های هر ساختار شخصیتی را فولادین کند.

۲

گلسر در مدارس خود پیشنهاد می کند که بر اساس روابط صمیمی و همدلی و توسعه احساس ارزشمندی در دانش‌آموزان برنامه‌ریزی شوند؛ یعنی باید مدارس به‌گونه‌ای طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی شوند که دانش‌آموزان بتوانند حس کنند افرادی ارزشمند در آنجا هستند و بتوانند با این محیط همدل شوند و همراه که توسعه این ویژگی‌ها در مدارس ارتباط مستقیمی با ویژگی‌های فردی و مدیریتی و اجرایی و شغلی مدیران دارد. شاخص دیگری که گلسر می‌گوید در این مدارس باید اجرا شود ارتباط میان مدرسه و زندگی (جلسه انجمن اولی و مربیان - ارتباط با والدین؛ دوستی) به‌صورت مستمر وجود داشته باشند و خانواده بخشی از مدارس باشند.

نیروهای مدرسه باید بتوانند با دانش آموزان ارتباطی موثر داشته باشند برای ایجاد و تأمین این ارتباط اندیشه‌ای مدیریتی و برنامه‌ریز داشته باشند. همچنین با والدین ارتباطی مستمر داشته باشند گلسر معتقد است که مدرسه تنها فضا برای آموزش مفاهیمی که فقط حفظ می‌شود نیست این مطالب باید تأثیر پرنرنگی بر زندگی اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشد؛ مدرسی که ارتباط مثبتی میان مطالب و نحوه تفکر دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند این مدارس در ایران وجود دارد؛ اما در بخش غیرانتفاعی در مدارس دولتی فقط در بخش نمره‌دهی در مقطع دبستان که به شکل توصیفی اداره می‌شوند اداره و توجه به این مدارس لازمه‌اش داشتن مدیرانی است که اهمیت و نیاز این ارتباط را درک نمایند خودشان از لحاظ دانشی و اطلاعاتی در سطح بالاتری از مفاهیم آموزشی قرار داشته باشند و هم از سوی دیگر یک الگو بصری برای دانش‌آموزان باشد مثلاً بتواند تبیین کند چرا این مسئله ریاضی چرا این بخش اجتماعی باید یاد بگیرند. اگر در کلاس شیوه حل مسئله را آموزش می‌دهند خود معلم یا مدیران مسئله در حل یک مشکل در مدرسه غیرحرفه‌ای عمل نکنند و بتوانند متناسب با مسئله راهکار ارائه دهند.

موضوع دیگر یک گلسر بر آن تأکید دارد بحث عدم قطعیت آموزشی است که می‌توان گفت وجه تمایز مدارس در ایران و مدارس بدون شکست گلسر است. در نظام آموزشی ما در مقاطعی اصلاً وجود ندارد حتی در مدارس غیرانتفاعی کنکور و نظام انتخابی دانشگاه تکیه بر حفظیات است. از طرفی نظام آموزشی و پرورش این امکان را ندارد که در سطح وسیع این مدارس را مدیریت نماید چرا که امکانات فردی و آموزشی در اختیار وجود ندارد. داشتن و اجرا کردن عدم قطعیت آموزشی نیازمند سطح بالایی از توانایی مدیریتی، دانشی و اطلاعاتی است مدیران باید در نحوه ارائه دروس استقلال عمل و آزادی را در اختیار معلمان قرار دهند که بتواند اجرا شود که ما از اجرای آن بسیار دور هستیم یکی از دلایلی که بسیار دور هستیم والدین و انتظارات والدین هست که هنوز نگاه سنتی به آموزش دارند که اگر بتوانند مدیران و نظام آموزش و پرورش ضمن ارتباط قوی به والدین در این زمینه آگاهی دهند بخشی از مسئله حل خواهد پرورش افراد ارزشمند، خلاق، تقویت روحیه نوآوری دانش‌آموزان، تقویت اخلاق جمعی دانش‌آموزان، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان یکی از اهداف مهم این مدارس است که به دنبال آن اعتماد به نفس دانش‌آموزان بالا خواهد رفت این افراد برای آینده آماده خواهد کرد جامعه‌ای که چنین دانش‌آموزانی در آن رشد یافته باشند مسلماً دارای توانایی بالاتری نسبت به کشورهای دیگر خواهند داشت. این مدارس قانون‌مدار هستند قوانین پستوانه داری دارند و با نظم هستند و پرسنل مدرسه قابل اتکا و اعتماد باشند چرا که هیچ چیز اثرگذارتر از آموزش غیرمستقیم نیست. برای تحقق اهداف مدارس بدون شکست باید توانایی ارتباط مؤثر و مناسب با دانش‌آموزان داشته باشند، پرسنل

مدرسه وقت شناس هستند و این را عملی به دانش آموزان انتقال میدهند به عبارتی خود پرسنل الگو تمام عیاری برای دانش آموزان هستند. با دانش آموزان در تصمیم گیری های برنامه درسی هم اندیشی داشته باشند. آینده نگر باشند و در این آینده نگری به صورت هدفمند گام بردارند. آشنا با علوم جدید آموزشی، مفاهیمی مثل بحث های کلاسی آزاد، بحث های کلاس های مشارکتی، حذف روش نمره دهی (گسترش ارزشیابی توصیفی) را داشته متناسب با نیازهای شهر یا استان و منطقه خود به چگونگی اجرا این نوع شاخص ها در مدارس برنامه ریزی انجام دهند. مدیران برای رسیدن به این اهداف باید نظم و دقت بالا داشته باشند، همدلی داشته باشند، نداشتن ویژگی های فردی مانند خودبین و خودخواه و فردگرا چون نمی توانند این مدارس را مدیریت کنند و در نهایت روحیه جمع گرایی، شایسته سالاری در انتصابات (تخصص افراد در پست) مدنظر قرار دهند.

۳

نظریه ی گلاسرمیتنی بر واقعیت درمانی است. در نظریه واقعیت درمانی نیاز های اساسی هر فرد عبارت است از: نیاز به مبادله ی عشق و محبت و نیاز به احساس ارزشمندی. که کمبود هر کدام به شکست منجر می شود. ارتباط مدارس بیشتر با دومین مورد یعنی احساس ارزشمندی است. یکی از این روش ها محبت در مدارس است که به احساس ارزشمندی منجر می شود. اگر بچه ها احساس مسئولیت در قبال یکدیگر، دلسوزی و توجه نسبت به هم و کمک به همدیگر را بی آموزند حس همدلی و همکاری در آنان ایجاد می شود. طبق مفاهیم واقعیت درمانی باید متوجه باشیم که احساسات گمراهمان نکنند. افرادی که شکست می خورند برای اصلاح رفتار به احساسات تکیه می کنند ولی افراد موفق به دلیل و منطق تکیه دارند. بنابر این مفهوم اصلی واقعیت درمانی عدم تکیه بر احساسات می باشد. امروزه تعداد فزاینده ای از دانش آموزان در کسب یک هویت موفق شکست خورده اند دلیل آن هم عدم تاکید مدارس بر عنصر احساس ارزشمندی است. در بحث تحمیل مدارس جایگاه محبت در موفقیت تحصیلی مورد بحث قرار می گیرد. همچنین نقش مدارس در آموزش احساس ارزشمندی به بچه ها و دادن معلومات و ابزار لازم برای موفقیت در جامعه. گلاسربه تجربیاتش در مورد مدرسه دخترانه و علل شکست در مدارس و خلق و خوی کودکان بحث می کند و همچنین به سبب شناسی موضوع می پردازد و مطلب بعدی فکر کردن در مقابل حفظ کردن است. بحث بحث نکوهش حفظ کردن مطالب و مفاهیم و تلبار کردن اطلاعات در مغز و توجه به مساله تفکر و حل مساله و پژوهش است. تاکید بر حافظه از ارزش پائینی در آموزش و پرورش برخوردار است. که به جای آن باید بر تفکر تاکید داشته باشیم. مخصوصا تفکر حل مساله ای. گلاسره هم چنین اصل قطعیت در آموزش و پرورش را نفی می کند. (اصل قطعیت برای هر سوالی یک پاسخ صحیح و یک پاسخ غلط وجود دارد و لا غیر) مبحث بعدی ارتباط است کی طی آن گلاسراارتباط میان آموخته ها و ربط آن را با شکست تحصیلی توضیح می دهد. تشکیل دو بخش مجزا در ذهن بچه هامساله ای جدی است. بخش زندگی و بخش مدرسه. که اگر بتوانیم این دو بخش را به هم ارتباط دهیم نقش مهمی در امر آموزش ایفا کرده ایم. همچنین باید به این مساله توجه کرد که صرفا بسنده کردن به کتب آموزشی برای تکمیل آموزش کافی نیست. همچنین باید به ارتباط میان موضوع هایی که آموزش داده می شود نیز توجه شود زیرا این امر بسیار مهم است. مبحث بعد آموزش و پرورش متکی اطلاعات عمومی و محفوظات است که گلاسره آن را بی ارتباط می داند. او در این بحث روش نمره دهی را نفی می کند. علت آن را هم اهمیت بی دلیل آن میداند و به جای آن روش نمره دهی (الف-ب-ج-د-ه) را پیشنهاد می کند. برای یک دانش آموز برای تحصیل دو راه وجود دارد: ۱- توجه به تفکر و صرف نظر از نمره ۲- توجه به نمره و صرف نظر از تفکر البته خود گلاسره نیز اذعان دارد که نمره تضمین کننده رقابت بین محصلان است. علاوه بر نمره دهی گلاسرنحوه آزمون و آزمون های عینی را نیز مورد انتقاد قرار می دهد که با اصل قطعیت و اندازه گیری همسو است و مانع تفکر. گلاسربه بحث در باره ی جلوگیری از شکست و قدم های مقدماتی می پردازد. یکی از این موارد اهمیت تفکر است که اگر بتوانیم تفکر را ارتقا دهیم و تاکید روی حفظ کردن را حذف نماییم و ارتباط را به طور واقعی و اساسی افزایش دهیم در آموزش بسیار مؤثر است. مساله بعدی کلاس های ناهمگن است. هدف تشکیل کلاس برای جدا کردن استعداد ها و قوای مختلف از نظر توانایی برای یکدست شدن کلاس. مبحث بعدی پیشگیری از شکست و مراحل بعدی است. اگر بتوانیم مطمئن شویم که هر دانش آموز نهایت سعی و تلاش خود را به کار می برد تا تفکر و حل مساله را بیاموزد دیگر نمره ها ارزشی ندارد. امتحان ها در این مدارس عینی است. استفاده از امتحان های عینی به منزله ابزار خود آزمایی در مراحل اولیه تفکر و حل مشکل احساس مطلوبی را ایجاد می کند. هم چنین گلاسره می گوید اگر معلم در شرایطی آموزش ببیند که توجه به نمره و

حفظیات است نمی تواند مؤثر باشد. پس باید آموزش مناسب برای اجرای برنامه های جدید را ببیند. مبحث اصلی و کاربردی این کتاب مبحث اجرای برنامه های جدید است که در مورد بحث های کلاسی است. بحث های کلاسی به مجموعه فعالیت هایی اطلاق می شود که به منظور راه هایی برای درگیر کردن دانش آموز در بحث های آموزشی به کار می رود. در این میان بررسی این نکته ضروری است که چرا عقاید و برنامه های جدید آموزشی به کندی در مدارس پیش می رود؟ یکی از عوامل وجود دو اصل قطعیت و حفظیات در مدارس است. معلمان، مدیران و اولیا نیز در مقابل برنامه های جدید مقاومت می کنند و علت این مقاومت جو موجود در برابر نمره ها و احتمال ازدیاد مردودی هاست. زیرا در مدرسه ها همه به شدت زیر بار نمره رفته اند. دلیل مقاومت معلمان نیز ترس از شکست در برابر بحث های کلاسی است چون اصل کار توسط معلم انجام می گیرد. مثل کنار گذاشتن تدریجی تکیه بر منابع اصلی و آزاد کردن دانش آموزان از قید نمره و کارنامه. جلسه های کلاسی: جلسه ای است که در آن معلم کلاس را به سمت یک بحث سوق می دهد که داوری در آن وجود ندارد و همه ی افراد باید در آن حضور فعالانه داشته باشند. ۳. نوع جلسه کلاسی وجود دارد. - حل مشکل اجتماعی: معلم نقش رهبر گروه را دارد موضوع مورد بحث رفتار اجتماعی دانش آموزان در مدرسه و هدف تلاش برای حل مشکلات فردی و گروهی و آموزشی و تربیتی کلاس و مدرسه است. مهم بودن این نوع جلسات نیز به این دلیل است که کودکان یاد می گیرند که در گروه مشکلاتشان را حل کنند و کم تر از جمع برای حل مشکل دوری کنند. - جلسه بحث های آزاد: هدف بررسی موضوع های مهم اندیشمندان است که در باره ی مشکلات رفتاری بحث می شود. از بچه ها خواسته می شود که راجع به مسایل مربوط به زندگی شان صحبت کنند. اگر این مباحث را بتوانیم با اهداف آموزشی تطبیق دهیم بسیار مناسب است. - جلسه های بررسی آموزشی: هدف این است که بفهمیم دانش آموزان تا چه حد مفاهیم دوره تحصیلی خود را درک می کنند. به طور مستقیم مربوط به آن چیزی است که کلاس در مورد آن چیزی یاد می گیرد. جلسه های کلاسی به خودباوری دانش آموزان، احساس ارزشمندی، ایجاد تجربه بیشتر، اعتماد به نفس و خواست داوطلبانه ی دانش آموز برای یادگیری کمک می کند فرایند های لازم برای شروع و ادامه جلسات:

۴

اندیشمندان زیادی در زمینه شرایط بحرانی آموزش صحبت کرده اند یکی از اندیشمندانی که در مورد آموزش صحبت کرده اند گلستر است او معتقد است که در حال حاضر تعداد زیادی از دانش آموزان در تحصیل شکست می خورند بقیه تحت فشار مفرط موجود برای موفقیت در مدارس که حتی بسیاری از محصلان کوشا و شایسته عملکرد بدی نشان می دهند لذا طرحی پیشنهاد می دهد به نام مدارس بدون شکست. چنین بیان می کند که امید دارد که آموزش و پرورش به هدف اصلی و اولی بازگردد. هدف اولیه عبارت است از پرورش انسان اندیشمند، خلاق، سرزنده، بانشاط و شجاع انسانی که می خواهد برای حل مشکلاتی که در دنیای خود با آن روبه رو است تلاش کند هر چند نمی تواند همه آنها را حل کند؛ ولی به پاره ای از آن موفق خواهد شد با اعتمادی که او در نتیجه موفقیت های خویش به دست آورده ممکن است برای مدتی شکست بخورد؛ ولی می داند رسیدن به جدی از موفقیت امکان پذیر است و اگر موفقیت به راحتی حاصل نشود مایوس و دلسرد نخواهد شد. اگر انسان بتواند فکر کند و بتواند همنوع خود را برقرار کند و اگر بتواند قدر زیبایی ها خلق شده توسط انسان و طبیعت را بشناسد برای خوشحالی و برای احساس ارزشمند بودن شانس دارد. آموزش و پرورش بیشتر از این نمی تواند برای انسان کاری انجام دهد بقیه راه به عهده خود اوست، معلمان مخصوصاً معلمان مدارس ابتدایی باید بدانند که پیشگیری از مشکلات به مراتب آسان تر از ترمیم شکست هاست پس اگر در جلوگیری از شکست کمکی به کودکان و جوانان کنیم به مقصود خود نائل گشته ایم... مانع اصلی فلسفه آموزش و پرورش فعلی ماست، فلسفه ای مبنی بر عدم رابطه عاطفی، عدم ارتباط بین مطالب و تأکید محدود بر روی تفکر، آموزش و پرورش باید به طرف فلسفه مثبت حرکت کند. فلسفه ای مبنی بر رابطه عاطفی، ارتباط مطالب و تفکر در غیر این صورت، نخواهیم توانست مشکلات فراوان محصلانی را که در تحصیل شکست می خورند حل کنیم. در این جا طرح هایی را برای ایجاد واقعیات رابطه عاطفی، ارتباط و تفکر در مدارس ارائه می شود این طرح ها همگی به هم مربوط بوده باید به صورت یک واحد کلی به کار گرفته شوند ممکن است هر یک جداگانه دارای برخی ارزش ها باشد؛ اما در ترکیب یک برنامه کلی می تواند بنیادی را فراهم کند تا مدارس را بر اساس نیاز فرزندان بنا کنیم. یک آموزش و پرورش موفق می تواند بیشترین کار را برای غلبه بر مشکلات دانش آموزان انجام دهد دانش آموزان،

محصول وضعیت اجتماعی خاصی آموزشی و اجتماعی خود هستند و معمولاً خانواده و جامعه، فرهنگ، سابقه و زمینه زندگی یا نژاد یا فقر در شکستشان دخیل می‌دانند؛ اما این نظریه یا عقیده یک بن‌بست است به دو دلیل -این نظریه مسئولیت شخص را در شکست نادیده می‌گیرد- متوجه این مطلب نیست که باب موفقیت در مدرسه بالقوه در برابر همه ی افراد جوان باز است. اگر شاگردان بتوانند در مدرسه احساس مسئولیت کافی برای تلاش و کوشش بکنند و موانع موجود از پیش ساخته در راه موفقیت از همه ی مدارس برچیده شود بر بسیاری از شرایط منفی آسیب رساننده می‌توان غلبه کرد بنابراین برای موفقیت دانش آموزان مدیران باید نکات زیر را مد نظر داشته باشند و بتوانند آن را عملی کنند به طور مثال مطالبی که به هیچ طریق به زندگی دانش آموز مربوط نیست نباید آموزش داده شود باید مباحث کاربردی را بتوان وارد دروس دانش آموزان کرد، وظیفه آموزش و پرورش کسب اطمینان از این مطلب است که هر دانش آموز پاسخ های درست سوال هایی را که مربیان تشخیص داده اند می‌داند. ما به تفکری نیاز داریم که به پرسش درباره ی مسائل سیاسی، اجتماعی، ادبی، اقتصادی، علمی و آموزشی منتهی شود. هر دانش آموز نهایت سعی خود را به کار می‌برد تا تفکر و حل مشکلات را بیاموزد دیگر نمره‌ها ارزشی ندارند. ویژگی مهم دیگر توجه به مسائل اخلاقی و ارزش‌هایی است که بتواند در دانش‌آموزان انگیزه ایجاد کند، خودارزیابی را در دانش‌آموزان تقویت کند، قابل‌اتکا و اعتماد باشد. ارزش‌های اخلاقی در مدارس قابل تدریس اند البته اگر تدریس به اصولی محدود شود که در جامعه اختلاف‌نظری در مورد آن نیست. پرسنل مدرسه باید ضمن همدلی با شجاعت و انعطاف‌پذیری قوانین وضع شده را اجرا نماید. نکته‌ای که گلسر در مورد قانون و قانون‌مداری بران تکیه می‌کند منشأ کنترل‌هاست یعنی افراد از نظر ویژگی‌های رفتاری طوری تربیت شده باشند که خودشان بتوانند در برابر مسائل پیش‌آمده بر رفتار کنترل داشته باشند نه به ضرب زور و تنبیه.

جدول ۲- کدهای محوری و گزینشی

کدهای محوری	کدهای گزینشی
نظم درونی در مدارس	محیطی
قوانین پیشنهادی	
فضای امن	
امکانات به روز	
نیازسنجی برنامه های متناسب با نیازهای فردی	پرسنلی
توجه به توانایی و استعداد دانش آموزان	
توانایی تصمیم گیری	
توسعه یادگیری مشارکتی	
همکاری گروهی	
تطبیق اعمال و گفتار	
معلم راهنماست	
عدالت تربیتی	
عدم قطعیت آموزشی	مفاهیم درسی

فردی	مطالب کاربردی
	آموزش مهارت های زندگی
	توجه به تفاوت های منطقه ای و شهری
	تاکید برحافظه به جای حفیضیات
	بحث های مشارکتی و یادگیری مشارکتی
	بحث های آزاد
	اداره کلاس به صورت گروهی
	ارتباط میان مفاهیم درسی
	ارتباط مفاهیم درسی با زندگی
	حذف آزمون و امتحانات
	حذف آزمون های عینی
	حذف نمره دهی
	حجم مطالب کم
	حذف حفیضیات
	اهمیت دادن به رفتار اجتماعی
	افزایش اعتماد به نفس
فردی	یادگیری مهارت زندگی و اجتماعی
	توجه به علایق
	مسئولیت پذیر
	توسعه اخلاقیات
	آموزش نظم
	ایجاد کنترل های درونی
	خلاقیت و نوآوری
	احساس ارزشمندی
	پرورش انسان اندیشمند

برای مدارس خود مطرح نموده است نشان دهنده نقش ویژه‌ای است که به رشد فردی، اجتماعی و فرهنگی دانش آموزان می‌دهد و فرایندی را در آموزش پیشنهاد می‌کند که دانش آموزان احساس ارزشمندی کنند؛ تفکر و شیوه حل مسئله را آموزش ببینند این ویژگی لازمه‌اش درک و نفی قطعیت آموزشی است که دانش آموزان بیاموزند؛ می‌توانند برای مطالب علمی پاسخ‌های متفاوت و مسیرهای متفاوتی را رفت تا به جواب رسید در این مسیر پیشنهاد کلاس‌های همگن؛ بحث‌های کلاسی نفی نمره دهی (نمره‌گذاری کیفی و امتحانات عینی) را می‌دهد همچنین ارتباط میان مدرسه و زندگی و تجارب زندگی دانش آموزان تأکید می‌کند تا دانش آموزان مفاهیمی را بیاموزند و فردی مسئولیت‌پذیر، خلاق، توانا پرورش یابد. گلاسرها به عنوان یک نظریه پرداز در حوزه آموزشی به خوبی توانست ضعف‌هایی که یک نظام آموزشی را به سوی شکست می‌برد برشمرد و همچنین این مؤلفه‌ها و اهداف و ویژگی‌هایی که از آن‌ها نام برده است سعی شده در نظام آموزشی ما گنجانده شود اما نتوانسته‌ایم به صورت میدانی آن‌ها را اجرایی کنیم. در نظام آموزش مدارس کرمان این شکل از توسعه مدارس کیفی بیشتر در مدارس غیرانتفاعی مورد توجه قرار گرفته است؛ و در مدارس دولتی بحث آموزش‌های توصیفی و کیفی اقدامات در سطح مدارس دبستان آن‌هم در مورد حذف نمرات صورت گرفته است از سوی دیگر وجه تمایز مدارس شهر کرمان با مدارس گلاسرها تأکید بر مباحث دینی و رشد آن است، که به نظر می‌رسد با تکیه به راین ویژگی‌ها می‌توان به توسعه مفاهیم اخلاقی که گلاسرها معتقد است به واسطه آن دانش آموزان می‌توانند احساس ارزشمندی، صمیمیت و عشق بیشتری در محیط مدرسه دریافت نمایند کمک کند. از سوی دیگر مدارس شهر کرمان به دلایل چون، نظام آموزشی رئیس مابانه؛ عدم قدرت تصمیم‌گیری‌ها، تکیه بر حفظیات و نداشتن دیدگاهی که گلاسرها از آن تحت عنوان عدم قطعیت آموزشی نام می‌برد که به معنای نداشتن تفکر حل مسئله و داشتن خلاقیت در رسیدن به جواب به سؤالات است نمی‌تواند گام‌های مثبتی در جهت موفقیت دانش آموزان بردارد. اگر با نگاه گلاسرها بخواهیم به امر آموزش بنگریم محیط آموزشی باید ستری باشد که دانش آموزان در آن به وسیله انگیزه‌های درونی و کنترل‌های درونی مسیر و هدف‌های خود را مشخص کنند درحالی‌که با توجه به یافته‌ها در شهر کرمان هنوز والدین، پایبندی به سنت‌های آموزشی این توانایی را از دانش آموزان گرفته و به خصوص مباحث آموزشی متناسب با شرایط فرهنگی و سطح توانایی دانش آموزان نیست همه دانش آموزان قادر نخواهند بود که دوران تحصیلی خود را با موفقیت به پایان برسانند. در انتها می‌توان نتیجه گرفت که در بخش‌های مفاهیم آموزشی که گلاسرها پیشنهاد می‌دهد بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم و به نسبت در بخش‌های محیطی و پرسنلی توانسته‌ایم گام‌های مثبتی را برداریم.

پیشنهادهای کاربردی پژوهش

- در راستای کاهش ضعف‌های مدارس شهر کرمان پیشنهاد می‌شود که شیوه مدیریت آموزشی از شکل رئیس مابانه به سوی مدیریت راهبردی و راهبرانه تغییر باید قدرت تصمیم‌گیری به مدارس و مدیران مدارس داده شود.
- ایجاد روابط متقابل و دوسویه در انجام امور و عملکرد شغلی بهتر، تأثیرگذار است، برای همین مدیران لازم است در دیدارهای رودررو و یا جلسات عمومی از روش‌های سخنوری پویا و همچنین گوش دادن فعال استفاده کنند تا دبیران این امنیت خاطر را داشته باشند که تمام توجه مدیر به حرف‌ها و پیشنهادهای آنان است.
- مباحث زیاد کتاب‌ها و سال تحصیلی و محدود بودن به یک کتاب آموزشی چیزی است که گلاسرها از آن به عنوان نه تنها عاملی برای عدم موفقیت تحصیلی نام می‌برد بلکه معتقد است این دانش آموز برای زندگی آینده خود نیز دچار مشکل خواهند بود چون یادگیری حل مسئله را به خوبی آموزش ندیده‌اند و تکیه بر حفظیات آموزشی داشته‌اند بنابراین حجم حفظیات کاهش یابد و تکیه بر تفکر و اندیشیدن آموزش داده شود.

نتیجه‌گیری

در پایان با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که به نظر می‌رسد این تمایز بیشتر در بخش آموزش مفاهیم درسی و آموزشی مورد توجه گلاسرها نمود بیشتری دارد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در مطالعه حاضر برگه‌های رضایت‌نامه آگاهانه توسط تمامی آزمودنی‌ها تکمیل شد.

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط نویسندگان مقاله تأمین شد.

مشارکت نویسندگان

طراحی و ایده پردازی:

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Abbaspour, A., Taymouri, S. R., Rahimian, H., & Abdollahi, H. (2021). Identification and Prioritization of Key Performance Indicators in Elementary Schools by Fuzzy Delphi and SWARA Methods. *School Administration*, 9(2), 455-489.[in persian]
- Afzali, L., Hejazi, E., Gholamal Lavasani, M., Ejei, J., & afrooz, G. A. (2019). The Viewpoints of Teachers, Parents, School Counselors and Students Towards Resilient School: A Qualitative Study. *Journal of Applied Psychological Research*, 10(2), 19-33.[in persian]
- Alagheband, A. (2014). *Sociology of Education*. Tehran: Rovani Press.[in persian]
- Alimardani, Z., & Pourkarimi, J. (2022). Model of competencies of e-learning teachers in creating self-directed learning of learners. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 12(3), 123-143.
- Ang, C., & Ho, E. L. E. (2019). Feeling schools, affective nation: The emotional geographies of education in Singapore, slippages as tactical manoeuvres. *Emotion, Space and Society*, 32, 100-114.
- Ervin, J. (2012). *Theory of choice in the classroom*. Translated by Mona Khatiri. Tehran, Manzome Kherad Press.[in persian]
- Jahanian, R. (2010). Required qualifications of educational managers. *Educational Administration Research*, 3(2), 121-124.[in persian]
- Glasser, W. (1920). *Schools without failure*. Translated by Sadeh Hamzeh & Mojdeh Hamzeh Tabrizi (1388). Tehran: Roshd Press.[in persian]
- Majidi, O. (2010). *Superior system, the future of future education*. Tehran: Termeh Press.[in persian]
- Merry, M. A. (2018). Equality and Educational Justice. In *Encyclopedia of educational philosophy and theory*. 170-190
- Meyer, K. (2021). Talents, abilities and educational justice. *Educational Philosophy and Theory*, 53(8), 799-809.
- Salmani Bestauni, S., Nami, K. (2022). In a research as identifying the dimensions of using Glaser's choice theory in the classroom in order to improve the quality of schools (case study: elementary schools in one district of Bandar Abbas city). *Journal of New Developments in Psychology of Educational Sciences and Education*. 5 (47), 162-164.[in persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی